

تحلیل درجه استقلال مقام پولی براساس یک قاعده فقهی

ایمان باستانی فر*

محمد رضا حیدری**

وحید مقدم***

چکیده

ضرورت تثبیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اقتصاد کلان، نیازمند استقرار نهادهای پولی و مالی کارآمد است. ادبیات استقلال بانک مرکزی و تجارب جهانی در این زمینه نیز بدین سبب موضوعیت پیدا می کند؛ اما شاخص های متعارف استقلال مقام پولی، هیچ کدام به قواعد فقهی مرتبط با بانکداری توجه نداشته اند. بنابراین، نظام بانکداری اسلامی، برای تحلیل میزان استقلال مقام پولی نیازمند رویکرد جدیدی است. در این مقاله پس از بیان تجارب جهانی مبتنی بر استقلال بانک مرکزی با تبیین کاربرد واژه «غرر» نشان داده می شود که دامنه کاربرد قاعده فقهی نفی غرر فقط در عرصه عقود اسلامی نیست و این قاعده، قابلیت به کارگیری در سیاست گذاری پولی را هم دارد.

از آنجا که سیاست های آتی مقام پولی در خصوص افزایش یا کاهش تورم، بر منافع حال بنگاه های اقتصادی تأثیرگذار است، غرری بودن رفتار مقام پولی در سیاست گذاری به دلیل وابستگی به دولت از طریق افزایش عدم اطمینان در متغیرهای تصمیم بنگاه های اقتصادی، باعث افزایش مستمر در انتظارات تورمی و یا رکود می شود. بنابراین، تحلیل استقلال مقام پولی مبتنی بر قاعده نفی غرر اهمیت دارد.

در این مقاله، با دسته بندی درجه غرری بودن سیاست مقام پولی مبتنی بر یقین، ظن، شک، وهم و عدم اطمینان کامل بنگاه های اقتصادی به مقام پولی، در چارچوب یک الگوی فیلیپس تعمیم یافته، اثبات می شود افزایش در درجه غرری شدن سیاست پولی، منجر به افزایش فزاینده در تورم و منجر به عدم تحقق هدف مقام پولی در حفظ ارزش پول و مهار تورم می شود. بر این اساس، الگویی مبتنی بر شکل گیری استقلال مقام پولی براساس درجه غرری بودن سیاست مقام پولی ارائه می گردد.

واژگان کلیدی: غرر، سیاست پولی، استقلال بانک مرکزی، بانکداری اسلامی

طبقه بندی JEL: E42, E58, Z12

* استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: i.bastanifar@ase.ui.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: heidari@isu.ac.ir

*** استادیار دانشکده اهل بیت دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: v.moghadam@ahl.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱/۲۶

۱. مقدمه

تثبیت اقتصادی با استفاده از نهادهای کارآمد پولی و مالی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. در این راستا شکل‌گیری نهاد پولی مستقل در چنین بستری معنا پیدا می‌کند. ادله‌هایی چون تثبیت‌کننده بازارهای مالی جهت عدم بروز بحران‌های مالی، بازدارندگی آثار فساد و ناکارایی بوروکراسی مالی در دولت، کاهش اطلاعات نامتقارن در اقتصاد، عدم بروز پدیده ناسازگاری زمانی^۱ در سیاست‌های پولی و مالی، از مهم‌ترین دلایل موافقان و طرفداران استقلال بانک مرکزی است. استقلال بانک مرکزی از دو منظر، یکی اهداف و دیگری ابزار قابل تأمل است. استقلال در هدف یعنی مقام پولی در تعیین اهداف اقتصادی، اهدافی مستقل از اهداف دولت تعیین می‌کند و استقلال در ابزار یعنی مقام پولی مستقل از قوه مجریه ولی در اهداف همسو با آن باشد (عسگری، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

نکته مهم آن است که ادله مرتبط با استقلال بانک مرکزی باید متناسب با ساختار اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر آن کشور طراحی شود. در یک نظام اسلامی، ضرورت دستیابی به ادله فقهی در تبیین یک رفتار، در کنار تجارب علمی ضروری است. در این راستا پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

برای ایران که اقتصادی کوچک از منظر تجارت بین‌الملل است و همواره با نوسانات و تکانه‌های ناشی از تحولات سیاسی در عرصه خارجی و تکانه‌های نفتی روبه‌رو است، بانک مرکزی در چارچوب اهداف بانکداری اسلامی چگونه نهادی خواهد بود؟ در نظام بانکداری اسلامی، مقام پولی باید هم در عرصه خرد با توجه به عقود اسلامی، فرایند تسریع و تسهیل در مبادلات را اعمال کند و هم در عرصه کلان اقتصادی بتواند تثبیت‌کننده متغیرهای اقتصاد کلان در نظام اسلامی باشد؛ اما، اگرچه براساس بند چهار از ماده یک قانون عملیات بانکداری بدون ربا، مقام پولی حافظ ارزش پول ملی و به تبع آن تثبیت اقتصادی است؛^۲ آیا این نهاد به تنهایی می‌تواند تثبیت‌کننده سیاست‌های اقتصاد کلان باشد؟ اساساً، استدلالی مبتنی بر قاعده فقهی نفی غرر وجود دارد که بتوان از آن به‌عنوان محکی جهت ضرورت استقلال و چگونگی استقرار مقام پولی در جهت تثبیت سیاست‌های اقتصاد کلان استفاده کرد؟

۱. به شرایطی که ترجیحات تصمیم‌گیرنده قبل از اجرای یک سیاست با بعد از اجرا متمایز باشد، ناسازگاری زمانی یا Time inconsistency گفته می‌شود. برای توضیحات بیشتر ر.ک: باستانی‌فر، ۱۳۹۳.

۲. ماده یک از قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، به تشریح اهداف نظام بانکی می‌پردازد. در بند ۴ از ماده اول، به هدف «حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی» اشاره شده است (قانون عملیات بانکداری بدون ربا (بهره)، ۱۳۸۳، ص ۱).

۲. پیشینه موضوع

ایجفینگر و دهان^۱ (۱۹۹۶) به تحلیل دلایل استقلال مقام پولی براساس سه نظریه چرخه سیاسی پول،^۲ سلطه مالی^۳ و ناسازگاری زمانی^۴ پرداخته‌اند. براساس نظریه چرخه سیاسی پول، فرایندهای انتخاباتی باعث می‌شوند که انتخاب مقام پولی سازگار با گروه سیاسی حاکم بر جامعه شود. بنابراین، تصمیم‌های مقام پولی براساس تمایل و گرایش حزب حاکم در دوره زمانی حکمرانی است که ممکن است لزوماً با هدف تورمی سازگار نباشد. براساس نظریه سلطه مالی، اگر مقام پولی متأثر از مقام مالی باشد، در این حالت امکان کنترل تورم وجود نخواهد داشت. براساس نظریه ناسازگاری زمانی، سیاست‌های صلاح‌دید دولت‌ها باعث افزایش نااطمینانی در تصمیم‌بناگاه‌های اقتصادی می‌شود و احتمال دستیابی به هدف تورمی کاهش می‌یابد. بنابراین، شرط کنترل تورم و سیاست‌های هدف تورمی، استقلال مقام پولی برای مقابله با جریان‌های سیاسی، سیاست‌های صلاح‌دید دولت و کاهش سلطه مالی مقام پولی است.

برگر و کیمر^۵ (۲۰۱۳)، به تحلیل اثر بانک مرکزی مستقل بر تثبیت مالی^۶ پرداخته‌اند. در این تحقیق، مبتنی بر یک الگوی کینزین جدید، اهداف سیاست‌گذار اقتصادی مبتنی بر تحقق اهداف مقام پولی و دولت تصریح شده است. فرض بر این است که دولت و مقام پولی هر دو دارای اهداف مشترک شامل تثبیت تورم و رشد اقتصادی می‌باشند و استقلال مقام پولی از دولت در ابزار و نه اهداف است. نتایج گویای آن است که میزان استقلال بانک مرکزی بر سیاست پولی بهینه که بتواند باعث رونق بازار مالی یا بروز بحران مالی شود مؤثر است. مقام پولی مستقل در شرایط رونق و افزایش قیمت در بازارهای مالی با افزایش نرخ بهره، تعادل لازم میان رشد بازار مالی، رشد اقتصادی و تورم را برقرار می‌کند و اقدامات پیشگیرانه برای بروز از بحران نیز از طریق سازوکار تغییر در نرخ بهره اعمال می‌شود.

اودا و والنسیا^۷ (۲۰۱۴) براساس یک تابع زیان و مبتنی بر اهداف کاهش تورم و ثبات مالی، اثبات کرده‌اند که اگر مقام پولی بخواهد اهداف یادشده را برقرار کند دچار ناسازگاری زمانی (اریب در اهداف برنامه‌ریزی شده با مقادیر محقق شده) می‌شود؛ زیرا برای تحقق ثبات مالی، مقام پولی تمایل به پولی کردن بدهی خواهد داشت و این مسئله منجر به افزایش اریب تورمی و

1. Eijffinger & Dehaan

2. Political monetary cycle

3. Fiscal dominance

۴. شرایطی است که در آن تصمیم مقام پولی در زمان t ، جهت اجرا برای زمان $t+1$ ، با تصمیم اتخاذ شده در زمان $t+1$ جهت اجرا در زمان $t+1$ ، متمایز شود. برای توضیحات بیشتر ر.ک: باستانی فر (۱۳۹۳).

5. Berger & Kiffmer

6. financial stability

7. Ueda & Valencia

عدم تحقق سیاست پولی بهینه می‌شود. بنابراین، مقام پولی برای تحقق هدف ثبات مالی باید مستقل باشد.

کاولی و ویلسون^۱ (۲۰۱۵)، به تحلیل نظری اثر فساد مالی بر بانک مرکزی مستقل جهت تحقق قاعده سیاست پول بهینه پرداخته‌اند. قاعده سیاست پولی مبتنی بر تحقق هدف تورمی و رژیم هدف‌گذاری نرخ ارز واقعی^۲، هدف مخارج دولت و رشد اقتصادی است که در چارچوب یک تابع زیان برای اقتصاد کوچک باز تصریح شده است. ابزار قاعده سیاست پولی در این تحقیق، نرخ بهره است. نتایج نشان می‌دهد فساد مالی دولت، در شرایط استقلال و عدم استقلال بانک مرکزی باعث افزایش اریب تورمی و ایجاد اریب در سیاست پولی بهینه می‌شود؛ اما بانک مرکزی غیرمستقل به تشدید این اثر کمک می‌کند.^۳

۳. مبانی نظری

۳-۱. استدلال موافقان و مخالفان استقلال بانک مرکزی

استدلال موافقان بانک مرکزی متأثر از سه مطالعه بنیادین در علم اقتصاد است: یکی در نحوه مداخله کوتاه‌مدت دولت در اقتصاد که در چارچوب مسئله ناسازگاری زمانی مطرح می‌شود و دوم در خصوص رفتارهای اقتصاد کلان سیاسی^۴ و کوتاه بودن عمر دولت‌ها و سوم مسئله سلطه مالی است (ایجفینگر و دهان، ۱۹۹۶، ص ۴). مسئله ناسازگاری زمانی توسط کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) - برندگان جایزه نوبل ۲۰۰۴ اقتصاد - مطرح شده است. آنها اعتقاد دارند بنگاه‌های اقتصادی برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری‌ها، به اطلاعات شفاف و کامل از آینده اقتصاد نیاز دارند. در صورت اعمال سیاست‌های صلاح‌دیدی و کوتاه‌مدت، مقام پولی نمی‌تواند اطلاعات لازم را از آینده اقتصاد ترسیم کند؛ بنابراین، بنگاه‌ها همواره با ریسک و عدم اطمینان فزاینده از سیاست‌های آتی اقتصادی روبرو هستند. این مسئله باعث می‌شود که سیاست مقام پولی نتواند بر رفتار بنگاه‌های اقتصادی تأثیر گذارد و منجر به شکست اهداف کلان اقتصادی از جمله هدف تورمی می‌شود. پس لازم است مقام پولی برای سیاست‌گذاری قاعده‌مندی داشته باشد که ضرورت اجرای قاعده، استقلال مقام پولی از دولت است.

1. Cavoli & Wilson

2. Real Exchange Rate Target Regime

۳. در زمینه مطالعات کاربردی می‌توان به آرنون و روملی (۲۰۱۳)، نویس و ولتین (۲۰۱۳) اشاره کرد که به سنجش اثر استقلال بر تورم پرداخته‌اند. هر چند در داخل مطالعاتی چون رحمانی و صادقی‌زاده (۱۳۹۰) و مشیری و همکاران (۱۳۹۰) به تحلیل اثر استقلال مقام پولی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند؛ اما تاکنون در مطالعات و تجارب جهانی و داخلی پژوهشی در خصوص سنجش درجه استقلال بانک مرکزی براساس معیار یا شاخص اسلامی و یا قاعده فقهی ارائه نشده است.

4. Political Macroeconomics

از منظر اقتصاد کلان سیاسی، اولین بار نوردهاوس^۱ (۱۹۷۵) و هیبز^۲ (۱۹۷۷) آثار فرایندهای سیاسی از جمله انتخابات و دیدگاه احزاب سیاسی بر رفتار متغیرهای اقتصاد کلان را تحلیل کرده‌اند. در این مطالعات نشان داده شد که کسب قدرت برای دولت‌ها، مطلوبیت دارد و دولت‌ها از اهداف اقتصاد کلان مانند تورم و بیکاری برای کسب قدرت برای دولت‌ها، مطلوبیت دارد و دولت‌ها می‌کنند. به عبارتی در ابتدای دوره‌های انتخاباتی، دولت‌ها، با اعمال سیاست‌های انقباضی، هدف تورم را انتخاب می‌کنند و در انتهای دوره اقدام به سیاست‌های انبساطی می‌کنند. تمایل دولت‌ها به اعمال فعالیت‌های سیاسی و تلاش برای کسب قدرت و تغییرات در ساختار دولت‌ها برای کسب قدرت، بر سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله هدف تورمی تأثیرگذار خواهد بود. در این شرایط اطلاعاتی که در اقتصاد برای تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی لازم است، شفاف نیست و متأثر از هدف کسب آرای انتخاباتی است. بنابراین، تا زمانی که مسئله فرایندهای دموکراتیک در انتخابات حاکم باشد و حفظ قدرت برای دولت‌ها مطلوب باشد، تصمیم‌گیری‌های مقام پولی منتخب دولت متأثر از واقعیت‌های سیاسی و نه اقتصادی می‌شود. بنابراین، مقام پولی باید مستقل از دولت باشد. دیدگاه سوم، متأثر از مسئله سلطه مالی است که توسط سارجنت^۳ (برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۱) و والاس^۴ (۱۹۸۱) مطرح شده است. مسئله سلطه مالی بیان می‌کند که ساختار بودجه دولت بر سیاست پولی مؤثر است. اگر دولت در تأمین منابع مالی نیازمند مقام پولی باشد و مقام پولی نیز توسط دولت انتخاب شود، فرایند خلق پول و اعتبار و سیاست‌های پولی به صورت درون‌زا تعیین می‌شود. در صورتی که برای کنترل اهداف اقتصاد کلان از جمله هدف تورمی، باید فرایند خلق پول و اعتبار و سیاست‌های پولی فارغ از تأثیرگذاری اهداف مالی دولت باشد. بنابراین، با افزایش سلطه مالی، توانایی مقام پولی برای کنترل و مهار تورم کاهش می‌یابد. لذا لازم است مقام پولی مستقل از دولت و ساختار مالی باشد.

تمام دیدگاه‌های موافق استدلال معتقدند که عاملی (مانند رفتارهای صلاح‌دیددی دولت، روند انتخابات و منافع سیاسی حاکم بر آن و سلطه مالی) باعث بروز اطلاعات غیرشفاف و افزایش عدم اطمینان بنگاه‌های اقتصادی به سیاست‌گذاران اقتصادی می‌شود؛ زیرا مقام پولی خود متأثر از عوامل یادشده است و اطلاعات ارائه شده از وی نیز با تغییر این عوامل دچار تغییر می‌شود. این مسئله باعث برهم زدن بازارهای پولی و مالی به دلیل تغییر در رفتار بنگاه‌های اقتصادی و به تبع آن تعادل‌های اقتصاد کلان می‌گردد؛ بنابراین، مقام پولی مستقل باید بتواند نااطمینانی را با عدم استقلال خود از دولت جبران کند. از آنجا که در فقه شیعه، قاعده فقهی نفی غرر، مرتبط با مسئله

1. Nordhaus

2. Hibbs

3. Sargent

4. Wallace

اطلاعات غیرشفاف است، می‌تواند به‌عنوان رویکرد جدیدی در تحلیل مسئله استقلال مقام پولی در یک نظام بانکداری اسلامی استفاده شود.

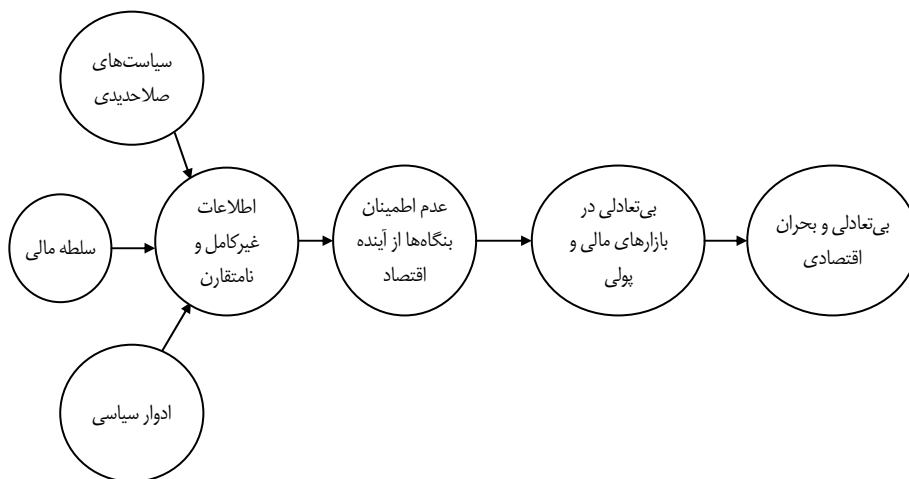
برخی مخالفان مانند برگر و ویتک^۱ (۲۰۰۱)، ادوار تجاری پولی در برخی کشورهایی که مقام پولی مستقل از دولت دارند از جمله آلمان را تحلیل تجربی کرده‌اند «از آنجا که براساس پدیده ادوار تجاری پولی، حزب سیاسی منتخب در انتخابات آتی، بر انتخاب مقام پولی (عزل و نصب) نیز تأثیرگذار است، عدم اطمینان از نتایج آتی انتخابات، منجر به نااطمینانی از انتخاب مقام پولی و به تبع آن افزایش نااطمینانی از دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های آتی مقام پولی در اقتصاد می‌شود».

به اعتقاد این محققان با وجود استقلال مقام پولی از دولت، چون مقام پولی متأثر از احزاب سیاسی منتخب خواهد بود، در زمان‌های نزدیک به انتخابات سیاسی، سرمایه‌گذاران با بانک‌ها وارد قراردادهای مالی بلندمدت نمی‌شوند و باعث بروز نوسانات در تقاضای پول و متغیرهای اسمی و واقعی در اقتصاد کلان می‌شوند. بنابراین، استقلال از دولت به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید مقام پولی بتواند با ارائه اطلاعات شفاف، وضعیت عدم اطمینان را به شرایط اطمینان و یا ریسک‌پذیر تغییر دهد. این مسئله نیازمند وجود قدرت سیاسی و بی‌طرف بودن مقام پولی از منافع حزبی و سیاسی است.

اگرچه براساس نظر موافقان و مخالفان نمی‌توان اثر استقلال مقام پولی از دولت بر اقتصاد را به‌عنوان یک اصل موضوعه و از پیش تعیین شده پذیرفت؛ اما اجماع نظر در خصوص حل مسئله عدم اطمینان در اقتصاد، توسط مقام پولی وجود دارد (کوکرمان، ۲۰۰۶، ص ۱۹). در واقع همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد، اگر عدم اطمینان از شرایط آتی اقتصاد (سیاست‌های آتی دولت به دلیل رفتارهای صلاح‌حیدی، ساختار انتخابات و مشخص نشدن حزب سیاسی یا دولت، سلطه مالی) عامل تأثیرگذار در بروز بی‌تعادلی‌های اقتصاد کلان است، در صورتی مقام پولی می‌تواند در برطرف کردن این بی‌تعادلی‌ها مؤثر باشد که در طراحی ساختار آن به نقش بی‌طرفی مقام پولی از نظر سیاسی و حزبی، میزان قدرت و توان مقام پولی در عدم تأثیرپذیری از تحولات اقتصادی و سیاسی توجه شود تا بتواند ارائه دهنده اطلاعات متقارن، شفاف و کامل از وضعیت اقتصاد باشد، قول و عمل وی در سیاست‌گذاری یکی شود. بنابراین، درجه استقلال مقام پولی مبتنی بر تحقق درجه هر کدام از این عوامل خواهد بود.

1. Berger & Woitek

2. Cukierman



نمودار ۱: ضرورت شکل‌گیری استقلال مقام پولی در نظریه‌های متعارف

۳-۲. شاخص‌های متعارف سنجش استقلال بانک مرکزی

از میان شاخص‌های استقلال بانک مرکزی به دو شاخص اصلی GMT^۱ و CWN^۲ می‌توان اشاره کرد. شاخص GMT، استقلال بانک مرکزی را به دو جزء استقلال سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌کند. استقلال سیاسی توسط عواملی از قبیل نحوه انتصاب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی، دوره تصدی منصوبان و میزان مسئولیت بانک مرکزی برای دستیابی به هدف ثبات قیمت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، استقلال سیاسی نشان‌دهنده آن است که تا چه حد به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود تا بر هدف اصلی‌اش بدون مداخله مقامات سیاسی پافشاری کند. استقلال اقتصادی به میزان توانایی بانک مرکزی در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری پولی (شامل عواملی مانند کنترل میزان اعتبارات بانک مرکزی به دولت، نرخ بهره وام‌ها و نرخ تنزیل) بدون دخالت دولت وابسته است. این بعد از استقلال، گاهی استقلال ابزاری نیز نامیده می‌شود.

شاخص CWN، استقلال بانک مرکزی را براساس دو مؤلفه قانونی یا واقعی اندازه‌گیری می‌کند. استقلال بانک مرکزی از منظر قانونی، به آزادی، انعطاف‌پذیری و اختیار عملی اطلاق می‌شود که قانون برای بانک مرکزی قائل شده است. این شاخص، خود به چهار جزء اصلی عزل و نصب و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی، تدوین سیاست‌های پولی، اهداف و محدودیت‌های اعطای وام به دولت تقسیم می‌شود؛ اما شاخص واقعی به جای مؤلفه قانونی مبتنی بر عملکرد بانک مرکزی است (همتی، ۱۳۹۲، ص ۱-۳).

1. Grilli-Masciandaro-Tabellini

2. Cukierman-Webb-Neyapti

انطباق ندارند. افزون بر آنکه استدلال برای شکل‌گیری مفهوم استقلال مقام پولی باید براساس قواعد فقهی صورت گیرد. بنابراین، رویکرد جدیدی لازم است که در ادامه ارائه می‌شود:

۳-۳. رویکرد جدید پیشنهادی مبتنی بر قاعده نفی غرر^۱

۳-۳-۱. مفهوم غرر

در ساختارهای متعارف در نظام بانکداری اسلامی، در جهت منع معاملات غرری، راهکارهای عقود اسلامی مطرح شده است. این مسئله می‌تواند باعث تحقق اهداف خرد بانک مرکزی در نظام اسلامی شود. اما آیا در عرصه سیاست‌گذاری کلان اقتصادی هم قاعده فقهی منع غرر کاربرد دارد؟

فقه در لغت به معنای درک و فهم عمیق و در اصطلاح، عبارت است از: علم استنباط احکام شرعی و یا به تعبیر دیگر، علم عملیات استنباط احکام است (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۴۶). در نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تمامی عملیاتی که در عرصه اقتصاد انجام می‌شود باید با موازین شرعی تعیین شده در فقه اسلامی مغایرت نداشته باشد. فقها برای تعیین ضوابط کلی استنباط احکام، تلاش می‌کنند با استخراج قواعد فقهی از طریق کتاب و سنت به این هدف دست یابند. قواعد فقهی، فرمول‌های بسیار کلی هستند؛ اما منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند؛ بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر قواعد فقهی دستورهای کلی فقهی هستند که در باب‌ها و بخش‌های گوناگون راه دارند و فقیه با نظر به این قواعد به استنباط احکام می‌پردازد. اهمیت توجه به این قواعد در بانکداری اسلامی به‌گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد بدون شناخت و استفاده صحیح از آنها نمی‌توان به نظام بانکی سازگار با روح و اهداف شریعت اسلام در حوزه اقتصاد دست یافت.

یکی از قواعد فقهی معتبر «نفی غرر» است. محقق اصفهانی می‌گوید: اهل لغت برای غرر معانی متعدّد ذکر کرده‌اند: مانند غفلت، خدعه، خطر، انجام کاری که در آن ایمنی از ضرر نیست، چیزی که مورد تعهد و اطمینان نیست، آنچه ظاهری پسندیده و باطنی ناپسند دارد، و به احتمال قوی، همگی معنای حقیقی غرر نیستند. برخی توضیح معنای حقیقی، برخی بیان لازم دائم، برخی لازم غالب و برخی بیان مصداق هستند. با توجه به موارد استعمال واژه غرر، معنای نزدیک به آن، خدعه است که لازم دائم آن غفلت، لازم غالب آن خطر و مصداق آن چیزی است که ظاهری

۱. دلالت استقلال مقام پولی براساس یک قاعده فقهی به صورت عام، دلالت بر ظرفیت بالای آن قاعده فقهی در نظام‌سازی اقتصادی و اجتماعی دارد. افزون بر اینکه در یک مطالعه با رویکرد اقتصاد اسلامی باید قواعد فقهی مرتبط با مباحث اقتصادی مطرح شود. استفاده از قواعد فقهی متعدد روش‌شناسی و ساختار مقاله را محدود می‌کند و رویکرد مقاله را از ماهیت اقتصاد اسلامی و به صورت خاص بانکداری اسلامی به رویکردی مبتنی بر تحلیل صرفاً فقهی تغییر می‌دهد که می‌تواند در قالب مطالعات دیگر به آن پرداخته شود. بر این اساس، استدلال‌های این مقاله بیشتر مبتنی بر محور یک قاعده فقهی در عرصه سیاست‌گذاری و آن هم قاعده نفی غرر است.

پسندیده و باطنی ناپسند دارد (بی تا، ج ۱، ص ۳۰۰). مبنای این قاعده، حدیث «نهی النبی ﷺ عن بیع الغرر؛ پیامبر از بیع غرری نهی کردند»، است. پیامبر اکرم ﷺ با بیان این نهی، درصدد تنظیم روابط معاملی میان انسان‌هاست. می‌خواهد آن گروه از قراردادهای را که در اثر خدعه، غفلت و جهالت و یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کنند و مال یکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهند، از دایره بیع‌های مجاز خارج و حکم به فساد آنها کند. مفاد قاعده این است که اسلام برای سامان دادن معاملات مردم و جلوگیری از نزاع‌ها و اختلاف‌ها، تمام معاملات غرری را باطل می‌شمارد و اگر این غرر ناشی از خدعه و نیرنگ یکی از متعاملین یا هر دو باشد افزون بر حکم وضعی بطلان، حکم تکلیفی حرمت نیز خواهد داشت.

قرآن کریم به صراحت همه معاملات تجاری را که به هر شکلی منجر به بی‌عدالتی و اجحاف در حق طرفین می‌شوند، ممنوع کرده است. این بی‌عدالتی ممکن است در قالب خطری که منجر به نامطمئن شدن در معامله می‌شود یا به شکل فریب یا خدعه یا منفعت نامشروع، مشاهده شود. فقیهان اسلام نیز برخی از معاملات را به‌طور کلی و برخی دیگر را در مواردی به سبب وجود غرر، باطل می‌دانند. در این راستا، رفع غرر که در جهت حفظ نظم اجتماعی و اقتصادی است، مورد توجه قرار گرفته و بدین جهت می‌توان گفت که مبنای این حکم فقهی که در قالب یک قاعده و اصل حقوقی درآمده، حفظ منافع عمومی و حمایت از معنویت اخلاقی است که با ممنوع کردن معاملات احتمالی که صورت بازی با بخت و شانس به خود می‌گیرند، از منازعه و کشمکش بین طرفین قرارداد جلوگیری کرده و راه عادلانه تأمین نظم در روابط مالی مردم را ارائه می‌کند.

مقصود از «بیع الغرر»، بیع غرری است؛ یعنی خرید و فروشی که در یکی از شئون سه‌گانه آن، نوعی عدم آگاهی و جهالت است؛ به‌گونه‌ای که با وجود آن، اقدام بر معامله، همراه با نوعی ضرر و خطر است و مقصود آنان از شئون سه‌گانه، مسائل ذیل است:

الف) مسئله علم متعاملان بر قدرت تحویل عوضین (شیخ انصاری، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵)؛ ب) مسئله علم متعاملان بر مقدار و کیفیت عوضین (همان، ص ۱۸۹-۱۹۰)؛ ج) مسئله علم متعاملان بر موقعیت معامله مانند زمان و مکان تحویل عوضین و نوع خیار فسخ و مدت آن. اما چگونه قاعده نفی غرر در عرصه بانکداری اسلامی کاربرد خواهد داشت؟

۳-۳-۲. نفی غرر در بانکداری اسلامی

نفی غرر به‌عنوان یک ضابطه کلی در سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر اصول صداقت، منع کتمان اطلاعات لازم برای ورود به مبادله و لزوم برقراری اطلاعات متقارن بین طرف‌های مبادله در اسلام، تسهیل‌گر فرایند مبادلات بین آحاد کارگزاران اقتصادی است. به‌طور طبیعی در بانکداری اسلامی

نیز رابطه بین مقام پولی، بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان نیز بر همین مبنا شکل می‌گیرد. مبتنی بر فقه امامیه، غرر مبتنی بر عقد بیع نیست و در سایر عقود معاوضه‌ای، مانند، مزارعه، اجاره، سلم و نظایر آن نیز جاری است (علی محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱).

در نظام بانکداری اسلامی، سیاست‌های پولی از طریق عقود اسلامی اجرایی می‌شوند. بنابراین اگر سیاست‌های پولی مبتنی بر اهداف و ابزار مناسب طراحی نشود و مقام پولی قدرت لازم برای برنامه‌ریزی و اجرای آنها را نداشته باشد، مجبور می‌شود در شرایط سلطه مالی، ناسازگاری زمانی و رفتارهای سیاسی در اقتصاد، از نظارت بر مستندات لازم برای اعمال اطلاعات عقود اسلامی چشم‌پوشد که خود از مصادیق غرر در عقود بانکی است. گسترش غرر در عقود بانکی، باعث کاهش اعتماد بنگاه‌های اقتصادی به اطلاعات آتی سیاست‌های اقتصادی، به خصوص سیاست‌های مقام پولی می‌شود. اطلاعات سیاست‌های آتی اقتصادی که توسط سیاست‌گذاران اعلام می‌شود، ثبات یا بی‌ثباتی آتی اقتصادی و سیاسی را ترسیم می‌کند که بر انتظارات بنگاه‌های اقتصادی از جمله انتظار تورمی اثرگذار است.

حال اگر این اطلاعات از شفافیت کامل برخوردار نباشد و بنگاه‌های اقتصادی به آنها اعتماد نداشته باشند و منجر به اطمینان بنگاه‌های اقتصادی به سیاست‌های آتی نشود، بنگاه‌های اقتصادی وضعیت آتی اقتصاد را با درصدی از خطا پیش‌بینی می‌کنند. هر قدر عدم شفافیت بیشتر شود، درصد خطا افزایش می‌یابد. اگر بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی منجر به افزایش تورم شود، افزایش در خطای ناشی از پیش‌بینی، انتظارات تورمی را بیشتر از شرایطی که اطلاعات برای پیش‌بینی شفاف باشد، افزایش می‌دهد.

عدم استقلال مقام پولی باعث می‌شود که اطلاعات ناشی از انتخابات و فرایندهای سیاسی بر رفتار مقام پولی تأثیر بگذارد. همچنین وابستگی به دولت و سلطه مالی باعث می‌شود که بانک مرکزی از سیاست‌های دولت متأثر شود. از آنجا که مقام پولی غیرمستقل متمایل به استفاده از سیاست‌های صلاح‌دیدگی به جای قاعده‌مند است، نمی‌تواند اطلاعات لازم را از آینده اقتصاد به صورت شفاف و برای بنگاه‌های اقتصادی ارائه کند. این مسئله باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی اطلاعات شفافی از آینده اقتصاد نداشته باشند و هزینه سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش یابد. بنابراین، مقام پولی غیرمستقل باعث افزایش عدم اطمینان در اقتصاد می‌شود؛ زیرا، نااطمینانی از سیاست‌های آتی مقام پولی باعث افزایش در انتظارات تورمی می‌شود. از آنجا که در چارچوب منحنی فیلیپس تعمیم‌یافته برای اثربخشی سیاست‌های پولی، باید تورم بیشتر از انتظارات تورمی شود، مقام پولی باید تورم بیشتری در شرایط نااطمینانی نسبت به شرایط اطمینان اعمال کند (برو،^۱ ۱۹۸۶، ص ۳).

1. Barro

بنابراین افزایش در انتظارات تورمی، مقام پولی را مجبور به اعمال سیاست‌های انبساطی مستمر و تورمی می‌کند که باعث عدم تحقق وظیفه مقام پولی در حفاظت از ارزش پول ملی می‌شود. در نقطه مقابل، سیاست پولی شفاف باعث افزایش قدرت پیش‌بینی اقدامات و سیاست‌های بانک مرکزی توسط بنگاه‌های اقتصادی می‌گردد و نااطمینانی در بازارهای اقتصادی را کاهش می‌دهد. این مسئله می‌تواند زیان احتمالی بنگاه‌های اقتصادی در جهت سرمایه‌گذاری‌های مولد را کاهش دهد و دقیقاً منطبق بر قاعده فقهی لاضرر عمل کند. بنابراین، شفافیت مقام پولی در مورد سیاست‌های آتی می‌تواند از زیان احتمالی بنگاه‌های اقتصادی به دلیل کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاری جلوگیری کند. در واقع، وجود نااطمینانی در تصمیم‌های بانک مرکزی، باعث پیچیده شدن تصمیم‌گیری و احتمالاً کاهش سرمایه‌گذاری توسط بنگاه‌ها خواهد شد.

در جامعه اسلامی که مقررات و ضوابط واقعی اسلام حاکم باشد و فرهنگ و رفتار مردم براساس آنها شکل گیرد، افراد از کتمان حقیقت، دروغ که از مصادیق عدم شفافیت اطلاعات هستند، نهی شده‌اند.^۱ بنابراین، دروغ، نیرنگ و کم‌کاری و پیمان‌شکنی در یک جامعه اسلامی که مقررات و ضوابط در آن حاکمیت دارد امری مذموم و به شدت رد شده است و در مقابل صداقت در معاملات و قراردادهای مورد اهتمام است و همچنین قواعد فقهی نیز صحت این امر را تأیید می‌کند (زاهدی وفا و قوامی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۳). بنابراین، به‌کارگیری سیاست فریب^۲ توسط مقام پولی که به‌عنوان یک سیاست متعارف و مقبول در عرصه بانکداری جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد^۳ از منظر اندیشه دین مبین اسلام قابل قبول نخواهد بود^۴ (باستانی‌فر و حیدری، ۱۳۹۴). در مقابل،

۱. به‌طور مثال خداوند متعال در سوره صف «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ»، مؤمنان را از ذکر اطلاعاتی که یا توان انجام آن را ندارند و یا اساساً واقعیت ندارد، منع فرموده‌اند.

2. Cheating

۳. سیاست فریب اولین بار در اقتصاد پولی توسط برو و گوردن (۱۹۸۳)، در توجیه تمایل دولت برای اعمال سیاست تورم غافلگیرانه مطرح شد. در این نوع از سیاست‌گذاری در ابتدا مقام پولی یا برنامه‌ریز اقتصاد کلان، سیاست‌های آتی خود را، برای اجرا در زمان $t+1$ ، در زمان t اعلام می‌کند. بر این اساس انتظارات بنگاه‌های اقتصادی از تورم قابل وقوع در دوره زمانی $t+1$ ، در زمان t ، شکل می‌گیرد؛ اما مقام پولی یا برنامه‌ریز اقتصاد کلان در زمان $t+1$ ، به آنچه در زمان t ، قول داده بود، عمل نمی‌کند و به‌گونه‌ای دیگر عمل می‌کند. در واقع، قول به رفتار قاعده‌مند می‌دهد؛ ولی در عمل، بنگاه‌ها را فریب می‌دهد. اگر تورم ایجاد شده در زمان t ، از انتظارات تورمی بیشتر شود، در چارچوب منحنی فیلپس تعمیم‌یافته باعث کاهش بیکاری می‌شود. برای توضیحات بیشتر به باستانی‌فر (۱۳۹۴) مراجعه شود.

۴. در مقاله تحلیل انتقادی سیاست فریبکاری در اقتصاد پولی با فرض ایده‌آل اسلامی (۱۳۹۴)، باستانی‌فر و حیدری، مبانی شکل‌گیری سیاست فریبکاری و مقبولیت آن را در اقتصاد پولی مبتنی بر الگوی برو و گوردن (۱۹۸۳) تحلیل و نقد کرده‌اند. سپس با وارد کردن اثر ولی فقیه در شکل‌گیری انتظارات تورمی، نشان داده‌اند چگونه در قالب یک تابع جریان در جامعه ایده‌آل اسلامی، مقام پولی می‌تواند بدون توجه به سیاست فریب، اقدام به سیاست‌گذاری‌های بهینه پولی کند؛ اما به نقش غرر و ارتباط آن با استقلال مقام پولی و اثر غرر در سیاست‌گذاری پولی پرداخته نشده است.

در عرصه سیاست‌گذاری تأکید بر شفافیت و پرهیز از خدعه و فریب است. بدین منظور مقام پولی با بیان شفاف سیاست‌های آتی خود، احتمال غرری شدن فعالیت‌های اقتصاد را کاهش می‌دهد و بنگاه‌های اقتصادی به جای ظن، شک یا وهم به مقام پولی، با اطمینان به سیاست‌های آتی مقام پولی، اقدام به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در زمان حال می‌کنند.

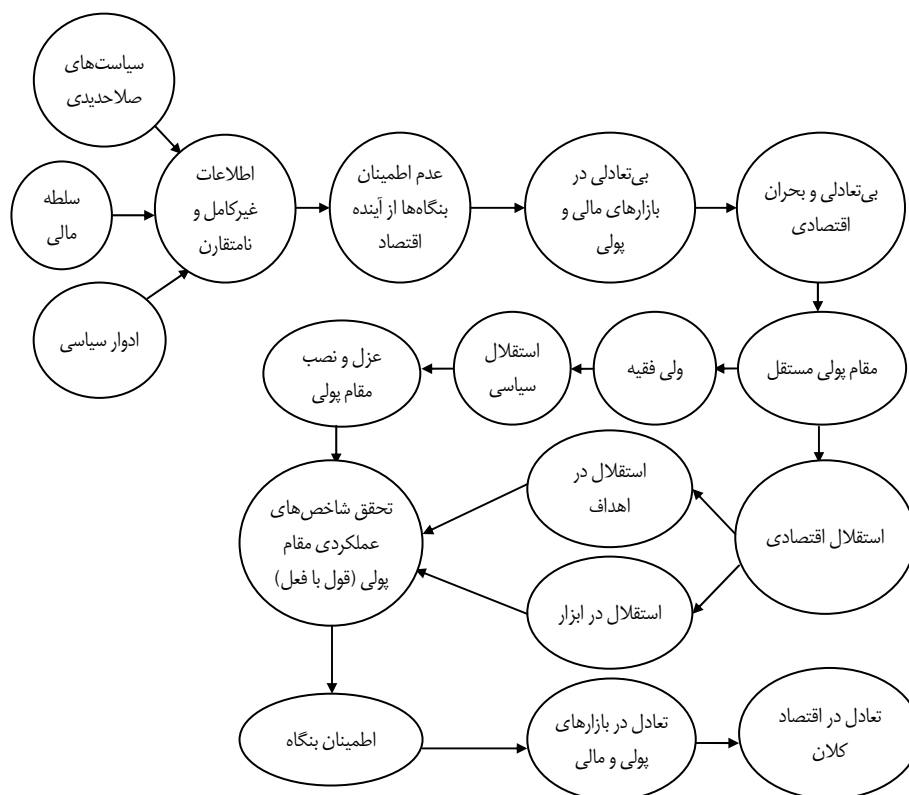
ممکن است انتقادی وارد شود که به اعتقاد برخی از فقها، قلمرو قاعده نفی غرر به بیع اختصاص دارد. بنابراین تعمیم آن به عرصه سیاست‌گذاری امکان‌پذیر نیست؛ اما با استفاده از شمول قاعده حفظ نظام که مشتمل بر حفظ انتظام امور عباد از جمله رابطه متقابل مقامات پولی و مالی با کارگزاران اقتصادی است؛ می‌توان به این ایراد پاسخ گفت. کاربرد قاعده لزوم حفظ نظام یا حرمت اختلال نظام، به قدری گسترده است که در سراسر فقه تأثیر دارد. در برخی از موارد، به عنوان مبنای حکم یا قاعده فقهی و حتی قاعده‌ای اصولی مورد استناد قرار گرفته و در پاره‌ای از موارد، مبنای اقدامات ضروری عقلی و شرعی بوده و در موارد فراوانی، مبنای دفاع از حقوق و تکالیف اجتماعی و تعیین قلمرو، توسعه و تضییق آنها قرار گرفته است (ورعی، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

قاعده حفظ نظام در برخی از موارد مبنای یک «اقدام ضروری عقلی یا شرعی» شمرده شده است. در برخی دیگر، دلیل یک «قاعده یا حکم فقهی» قرار گرفته است و بالأخره در برخی از موارد برای اثبات «حقوق و تکالیف اجتماعی» و «تعیین قلمرو آن» به کار رفته است (همان، ص ۱۲). بر این اساس لزوم نفی اغرا به جهل که مندرک در عهود غرری است با استفاده از قاعده مذکور قابل اثبات است. براساس این قاعده، چه در وضع و چه در اجرا، هیچ مشروعیتی برای افعال و اموری که موجب اختلال و نابسامانی زندگی مردم شود، قابل قبول نیست (امیدی فرد و باقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴). بر این اساس لزوم نفی اغرا به جهل که مندرک در عهود غرری است با استفاده از قاعده مذکور قابل اثبات است. اساساً منع غرر موجب تسهیل جریان آزاد اطلاعات، کامل بودن، تقارن و شفافیت اطلاعات و انتظام امور جامعه اسلامی به‌ویژه در قلمرو رابطه میان مردم و مقام پولی است. بر این اساس لازم است در جهت تشخیص و حذف درجه غرری بودن مقام پولی، راهکارهایی جهت برطرف کردن آن از طریق استقلال مقام پولی اندیشید.

منظور از استقلال مقام پولی، یعنی استقلال از قوه مجریه است؛ زیرا به سبب اهمیت پول در اهداف اقتصاد اسلامی، جایگاه مورد نظر یک جایگاه حاکمیتی خواهد بود و استقلال آن یک موقعیت آرمانی است که در آن مصالح عمومی جامعه اسلامی نقش کلیدی در ترسیم قواعد بنیادین سیاست‌گذاری پولی ایفا می‌کند.

بر این اساس، با توجه به قدرت مادی و معنوی ولی فقیه و بی‌طرف بودن نسبت به منافع سیاسی در اداره حکومت اسلامی، استقلال اقتصادی و سیاسی، مقام پولی برای آنکه بتواند منجر

به افزایش اطلاعات شفاف و اطمینان بنگاه‌های اقتصادی شود باید در شرایطی که ساختارهای اقتصادی منجر به بروز غرر در سیاست‌گذاری‌ها شوند، متأثر از نفوذ ولی فقیه شود. بنابراین، می‌توان نمودار (۳) که نقش ولی فقیه در استقلال مقام پولی جهت تحقق قاعده نفی غرر در بانکداری اسلامی است را ترسیم کرد. همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد، برای خروج از بی‌تعادلی‌های اقتصاد کلان و بحران‌های اقتصادی، راهکار استقلال مطرح است؛ اما زمانی که مسئله استقلال بخواند در ساختار نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران بومی شود، تنها نهادی که می‌تواند استقلال سیاسی و اقتصادی مقام پولی را تضمین کند تا این نهاد بتواند قول خود را به فعل نزدیک نماید، ولی فقیه است.



نمودار ۳: نقش ولی فقیه در استقلال مقام پولی جهت تحقق قاعده نفی غرر در بانکداری اسلامی

۴. تحلیل اثر غرری بودن سیاست پولی در اقتصاد کلان

رابطه زیر، منحنی فیلیپس تعمیم‌یافته را نشان می‌دهد:

$$u_{t+1} - u^* = \lambda(\pi_t^{t+1} - \pi_{t+1}) \quad (۱)$$

u_{t+1} نرخ بیکاری در زمان $t+1$ ، u^* نرخ بیکاری طبیعی، π_t^{t+1} انتظارات تورمی از سیاست قابل اجرا در زمان $t+1$ که در زمان t شکل می‌گیرد، λ ضریب ثابت است، π_{t+1} تورم در زمان $t+1$ است. فرض می‌شود که انتظارات تورمی در زمان t ، متأثر از قول مقام پولی در زمان t باشد. برای مثال اگر مقام پولی بخواهد در جهت کاهش ۱۰ درصدی شکاف نرخ بیکاری در زمان $t+1$ ، از نرخ بیکاری طبیعی، ۱۰ درصد حجم پول را در زمان $t+1$ ، نسبت به زمان فعلی (t) افزایش دهد، انتظارات تورمی ناشی از قول مقام پولی در زمان t ، ۱۰ درصد می‌شود. بنگاه اقتصادی نمونه از قول مقام پولی می‌تواند پنج برداشت داشته باشد: اول آنکه به قول مقام پولی یقین داشته باشد؛ دوم قول مقام پولی، ظن آور باشد؛ سوم، قول مقام پولی شک آور باشد؛ چهارم، قول مقام پولی وهم‌انگیز باشد؛ پنجم، قول مقام پولی را برخلاف واقعیت بدانند. بنابراین، عدم شفافیت در قول مقام پولی و ضمانت مناسب در تحقق قول یادشده، می‌تواند منجر به یکی از پنج حالت شود. حالات مذکور را از نظر آماری می‌توان با مفهومی به نام احتمال غرری بودن سیاست مقام پولی کمی و وارد الگوی شکل‌گیری انتظارات بنگاه اقتصادی کرد. با وارد کردن ضریب یا درجه غرری بودن به صورت قدر مطلق (γ)، سیاست مقام پولی می‌شود:

$$\pi_{tn}^{t+1} = (1 + \gamma) \cdot \pi_t^{t+1} \quad (2)$$

فرض می‌شود که $\gamma = 0$ ، حالت اول یعنی قول مقام پولی یقین‌آور یا کاملاً غیرغرری باشد؛ حالت دوم $0 < \gamma < 0.5$ ، یعنی قول مقام پولی ظن‌آوری یا به صورت ضعیف غرری باشد (مثلاً $\gamma = 0.25$)؛ حالت سوم، یعنی $\gamma = 0.50$ ، قول مقام پولی، شک‌آور یا به صورت متوسط غرری باشد؛ حالت چهارم یعنی $0.5 < \gamma < 1$ ، قول بانک مرکزی وهم‌انگیز یا به شدت غرری باشد (مثلاً $\gamma = 0.75$) و در حالت پنجم، $\gamma = 1$ ، باشد؛ یعنی به بانک مرکزی عدم اطمینان کامل داشته باشد یا غرری بودن کامل باشد. π_{tn}^{t+1} ، انتظارات تورمی بنگاه اقتصادی نمونه است که

۱. واژگان یقین، ظن، شک و وهم نشانگر سطوحی از اطمینان در فقه است که فرد مکلف در رفتارهای خود با آن مواجه می‌شود. قطع یا یقین، حالتی است نفسانی که در آن حالت، شخص نسبت به باور خود هیچ‌گونه تردیدی ندارد، خواه این باور مطابق با واقع باشد یا نه (شیخ انصاری، ۱۳۷۷، ص ۱)؛ در این صورت کارگزار اقتصادی احتمال خلاف در یقین خود به قول مقام پولی راه نداده و اطمینان یافته است که مقام پولی به تعهد خود (مثلاً تثبیت نرخ تورم در سطح ۵ درصد) وفادار است. ظن، رجحان یکی از دو طرف احتمال نزد نفس است. بر این اساس، هنگام پیدایی تردید، چنانچه به نظر فرد یک طرف تردید قوی‌تر و از طرف دیگر به واقع نزدیک‌تر باشد، در اصطلاح، طرف راجح را ظن گویند؛ لذا مضمونات قضایی هستند که ذهن تصدیق به آنها دارد اما نه صدق ثابت جازم؛ بلکه همواره امکان نقیض آن هم به ذهن می‌آید ولیکن ذهن آن را بر نقیضش رجحان می‌نهد، یعنی احتمال آن را بیش از نقیض آن می‌داند (خوانساری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۹). در این صورت، کارگزار احتمال ضعیفی می‌دهد که مقام پولی به قول خود پایبند نباشد. شک، حالت نفسانی ناشی از تردید بین دو یا چند طرف، به‌طور مساوی و بدون رجحان داشتن هیچ‌یک از طرفین است. با رجحان یک طرف، طرف راجح «ظن» و طرف مرجوح «وهم» نامیده می‌شود. بدیهی است حد پایانی طیف مورد نظر یقین به خلاف گفته مقام پولی یا نااطمینانی کامل نسبت به قول او است.

با توجه به ضریب غرری بودن یک سیاست پولی شکل می‌گیرد. π_t^{t+1} ، انتظارات تورمی است که براساس فرمول (۱)، در صورت برابری u^* و u_{t+1} ، معادل نرخ تورم است.

بنگاه اقتصادی را فرض کنید که برای ایجاد و یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی آتی خود نیازمند اطلاعات شفاف از وضعیت آتی اقتصاد است. اگر مقام پولی نتواند اطلاعات دقیق و قابل اطمینانی در خصوص سیاست‌های آتی خود (جهت کنترل تورم، تسهیلات و غیره) ارائه کند، بنگاه اقتصادی مبتنی بر شرایط عدم اطمینان اقدام به تصمیم برای ایجاد و یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی می‌کند. از آنجا که بنگاه‌های اقتصادی در برآوردهای خود باید نرخ سود و قیمت تولید را با توجه به شرایط عدم اطمینان برآورد و محاسبه کنند، عدم وجود اطلاعات دقیق و قابل اطمینان مقام پولی از سیاست‌های آتی نظام، احتمال مقام پولی در مهار و کنترل تورم را کاهش می‌دهد. اگر به جای π_t^{t+1} در رابطه (۱)، π_{tn}^{t+1} قرار داده شود آنگاه رابطه (۳) به صورت زیر استخراج می‌شود:

$$u_{t+1} - u^* = \lambda \left((1 + \gamma) \cdot \pi_t^{t+1} - \pi_{t+1} \right) \quad (۳)$$

شکاف میان $(1 + \gamma) \cdot \pi_t^{t+1} - \pi_{t+1}$ ، بیانگر اریب تورمی است. اگر، $(1 + \gamma) \cdot \pi_t^{t+1} \leq \pi_{t+1}$ باشد، آنگاه، $u_{t+1} \leq u^*$ می‌شود. یعنی مقام پولی با افزایش حجم پول در زمان $t+1$ ، بیشتر از آنچه در زمان t گفته بود، باعث افزایش تورمی بیشتری از انتظارات جامعه می‌گردد و باعث می‌شود که نرخ بیکاری از نرخ بیکاری طبیعی کمتر شود. حال اگر ضریب غرری بودن افزایش یابد، (γ) افزایش یابد، عبارت $(1 + \gamma) \cdot \pi_t^{t+1}$ بیشتر می‌شود و مقام پولی باید در زمان $t+1$ ، تورم بیشتری اعمال کند تا بتواند $u_{t+1} \leq u^*$ را برقرار کند. بنابراین، هر قدر ضریب غرری بودن کاهش یابد، هزینه دستیابی به بیکاری، کمتر می‌شود. در ادامه برای تبیین بیشتر موضوع، مثالی ارائه می‌شود.

فرض کنید مقام پولی در زمان t ، اعلام کند سال آینده قرار است حجم پول را ۱۰ درصد افزایش دهد. اگر انتظارات تورمی مبتنی بر قول مقام پولی شکل گیرد و برابر آن باشد و بنگاه به مقام پولی یقین داشته باشد و بنگاه اقتصادی در چارچوب شکل‌گیری انتظارات عقلایی، انتظارات تورمی را برآورد کند، انتظارات تورمی، در زمان $t+1$ ، همان ۱۰ درصد برآورد می‌شود. جدول (۱) این مسئله را نشان می‌دهد. حال اگر قول مقام پولی ظن‌آور باشد و مثلاً $\gamma = 0.25\%$ باشد، آنگاه عامل اقتصادی اثر تورمی افزایش حجم پول ۱۰ درصدی را ۱۲ درصد برآورد می‌کند. همان‌طور که جدول (۱)، نشان می‌دهد، با افزایش ضریب غرری بودن سیاست مقام پولی، انتظارات تورمی افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش در عدم شفافیت قول مقام پولی باعث افزایش انتظارات تورمی در جامعه می‌شود.

جدول ۱: مثال فرضی برای تبیین اثر غرری بودن سیاست پولی بر انتظارات تورمی (ارقام به درصد)

π_{nt}^{t+1}	γ	π_t^{t+1}
۱۰	۰	۱۰
۱۲/۵	۲۵	۱۰
۱۵	۵۰	۱۰
۱۷/۵	۷۵	۱۰
۲۰	۱۰۰	۱۰

منبع: مؤلفان

اکنون اگر مقام پولی بخواهد با اعمال سیاست اریب تورمی، ۱۰ درصد بیکاری را از نرخ طبیعی کاهش دهد، براساس رابطه (۳)، با فرض $(\lambda = 1)$ و اینکه قول مقام پولی یقین آور باشد $(\gamma = 0)$ می‌شود:

$$-10\% = \pi_t^{t+1} - \pi_{t+1} \quad (۴)$$

اگر انتظارات تورمی، π_t^{t+1} ، ۱۰ درصد باشد، مقام پولی باید π_{t+1} را ۲۰ درصد کند. یعنی به طور مثال ۱۰ درصد در زمان $t+1$ ، بیشتر از آنچه در زمان t گفته بود، حجم پول را افزایش دهد؛ یعنی رشد حجم پول در زمان $t+1$ ، ۲۰ درصد می‌شود. پس در مثال بالا، کاهش ۱۰ درصدی نرخ بیکاری از نرخ طبیعی آن، مستلزم افزایش ۱۰ درصدی تورم مازاد بر انتظارات تورمی عوامل اقتصادی است. اکنون اگر ضریب غرری شدن ۲۵ درصد شود، یعنی قول مقام پولی ظن آور باشد، رابطه (۴) به صورت زیر می‌شود:

$$-10 = (1 + .25)\pi_t^{t+1} - \pi_{t+1} \quad (۵)$$

بنابراین، جهت کاهش ۱۰ درصدی نرخ بیکاری از نرخ طبیعی آن، با فرض وجود ۱۰ درصد انتظارات تورمی، عبارت $(1 + \gamma)\pi_t^{t+1}$ ، ۱۲ درصد می‌شود. بر این اساس، π_{t+1} ، ۲۲ درصد می‌شود. به همین ترتیب، مشاهده می‌شود که با افزایش ضریب غرری بودن، انتظارات تورمی عوامل اقتصادی بیشتر شده و کاهش ۱۰ درصدی نرخ بیکاری از نرخ طبیعی آن، مستلزم افزایش تورمی بیشتر در زمان $t+1$ ، (π_{t+1}) خواهد بود. اگر این تورم از طریق سیاست پولی اعمال شود، یعنی باید حجم پول بیشتر از آنچه مقام پولی در سیاست اریب تورمی اعمال می‌کرد (در این مثال ۱۰ درصد)، اعمال شود.

به طور خلاصه، جدول (۲)، آثار تورم محقق شده در زمان $t+1$ ، با فرض آنکه مقام پولی به دنبال کاهش ۱۰ درصد نرخ بیکاری از نرخ طبیعی باشد و انتظارات تورمی ۱۰ درصدی به دلیل بیان مقام پولی در زمان t ، باشد را نشان می‌دهد. با افزایش ضریب غرری بودن، انتظارات تورمی افزایش می‌یابد و مقام پولی باید جهت دستیابی به هدف خود در کاهش ۱۰ درصد نرخ بیکاری از

نرخ طبیعی، باعث افزایش تورم در زمان $t+1$ ، از طریق سیاست پولی انبساطی شود. این مسئله یعنی معادل افزایش ضریب غرری شدن سیاست پولی، مقام پولی باید تورم را در زمان $t+1$ از طریق افزایش حجم پول در زمان $t+1$ ، افزایش دهد. یعنی با افزایش ضریب غرری شدن، اریب تورمی بیشتری لازم است تا سیاست کاهش نرخ بیکاری از نرخ طبیعی اعمال شود. در واقع افزایش درجه غرری شدن و عدم شفافیت در سیاست گذاری پولی، هزینه دستیابی به هدف سیاست گذار اقتصاد کلان (در این مثال کاهش ۱۰ درصدی بیکاری) را به دلیل افزایش تورم، بیشتر می کند. یعنی با افزایش درجه غرر، برای دستیابی به هدف کاهش ۱۰ درصدی نرخ بیکاری باید تورم بیشتری به جامعه تحمیل شود.

جدول ۲: محاسبه نرخ تورم محقق شده در زمان $t+1$ ، براساس رابطه ۳ با مقادیر فرضی (ارقام به درصد)

تورم محقق شده در زمان $t+1$ (π_t^{t+1})	نرخ رشد حجم پول اعمال شده در زمان $t+1$	$u_{t+1} - u^*$	π_{nt}^{t+1}	γ	اعلام نرخ رشد حجم پول در زمان t جهت اجرا در زمان $t+1$ یا π_t^{t+1}
۲۰	۲۰	-۱۰	۱۰	۰	۱۰
۲۲/۵	۲۲/۵	-۱۰	۱۲/۵	۲۵	۱۰
۲۵	۲۵	-۱۰	۱۵	۵۰	۱۰
۲۷/۵	۲۷/۵	-۱۰	۱۷/۵	۷۵	۱۰
۳۰	۳۰	-۱۰	۲۰	۱۰۰	۱۰

منبع: نتایج تحقیق

در ادامه جدول (۲) بیشتر توضیح داده می شود. در صورتی که ضریب غرری بودن سیاست پولی صفر باشد، باید تورم محقق شده در زمان $t+1$ ، یعنی (π_t^{t+1}) ۱۰ درصد بیشتر از π_{nt}^{t+1} باشد. یعنی باید نرخ تورم در زمان $t+1$ ، ۲۰ درصد شود تا ۱۰ درصد کاهش بیکاری داشته باشیم؛ زیرا اگر نرخ تورم ۱۰ درصد باشد با انتظارات تورمی برابر شده و بیکاری تغییر نمی کند. با افزایش درجه غرر (در جدول ۲)، باید تورم بیشتری اعمال شود. زیرا با افزایش ضریب غرر از صفر به ۲۵ درصد، انتظارات تورمی از ۱۰ به ۱۲/۵ می رسد. در این حالت، اگر نرخ تورم ۱۲/۵ درصد باشد تغییری در بیکاری ایجاد نمی شود، پس باید برای کاهش بیکاری ۱۰ درصدی، نرخ تورم، ۲۲/۵ درصد گردد. از تفاوت نرخ ۲۰ درصدی تورم با ۲۲/۵ درصدی برای کاهش ۱۰ درصدی بیکاری مشاهده می شود که افزایش ۲۵ درصدی درجه غرر، باعث می شود که هزینه کاهش تورم برای مقام پولی ۲/۵ درصد بیشتر گردد. بنابراین، با افزایش درجه غرر، مقام پولی باید تورم بیشتری اعمال کند.

بنابراین، برای جلوگیری از افزایش γ ، نیاز به استقلال مقام پولی افزایش یابد؛ زیرا که مقام پولی مستقل می تواند به تعهدات خود پایبند باشد و در صورت وابستگی به دولت، متأثر از

رفتارهای اقتصادی دولت خواهد بود. بر این اساس می‌توان جدول (۳) را جهت ارتباط نیاز به استقلال مقام پولی متناسب با غرری بودن سیاست پولی ترسیم کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود با افزایش ضریب غرری شدن سیاست پولی، نیاز به استقلال مقام پولی جهت حرکت به سمت الگوی ایده‌آل سیاست پولی که الگویی غیرغرری است، بیشتر می‌شود.

جدول ۳: ارتباط سیاست مقام پولی با استقلال بانک مرکزی

نوع سیاست	γ	نیاز به استقلال
غیرغرری (یقین‌آور)	0	وجود ندارد
غرری بودن ضعیف (ظن انگیز)	$0 < \gamma < 0.50$	تا حدودی وجود دارد
غرری بودن متوسط (شک انگیز)	$\gamma = 0.50$	به‌طور نسبی وجود دارد
غرری بودن بالا (وهم انگیز)	$0.5 < \gamma < 1$	تا حدود زیادی لازم است
کاملاً غرری	1	قطعیاً لازم است

منبع: نتایج تحقیق

۵. الگوی پیشنهادی جهت استقلال ساختار نهادی مقام پولی

با توجه به آنچه که در نمودار (۳) در بخش‌های گذشته به تصویر کشیده شد، تصریح گردید که ولی فقیه می‌تواند با افزایش استقلال سیاسی و اقتصادی مقام پولی باعث افزایش احتمال تحقق شاخص‌های عملکردی مقام پولی یا تحقق قول با فعل وی شود که این مسئله باعث افزایش اطمینان بنگاه‌های اقتصادی به محیط اقتصادی و باعث ثبات و تعادل در بازارهای پولی و مالی می‌گردد و به تبع آن تعادل در اقتصاد کلان برقرار می‌شود. اما براساس آنچه در بخش قبل در جدول (۳)، ارائه شده، مداخله ولی فقیه در افزایش استقلال سیاسی و اقتصادی مقام پولی باید متناسب با درجه غرری بودن سیاست پولی در یک نظام صورت پذیرد. به‌گونه‌ای که با افزایش غرری شدن سیاست پولی ضرورت مداخله ولی فقیه در ساختار مقام پولی بیشتر شود. بر این اساس، با توجه به دو شاخص استقلال سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌شود که برای تبیین دقیق‌تر مداخله ولی فقیه در ساختار مقام پولی باید به سه مسئله عزل و نصب مقام پولی، استقلال در اهداف و استقلال در ابزار توجه کرد.^۱ جدول (۴)، ساختار پیشنهادی جهت تغییر در نهاد مقام پولی را نشان می‌دهد. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد در صورت عدم وجود غرر در سیاست‌های پولی، نیاز به تغییر و اصلاح وجود ندارد. بنابراین، عزل و نصب مقام پولی می‌تواند توسط دولت انجام شود و نیاز به استقلال در اهداف و ابزار برای مقام پولی نیست. با افزایش درجه غرر، در ابتدا تغییرات از استقلال در ابزار شروع و پس از آن تغییر در استقلال در اهداف و سپس تغییر در عزل و نصب

۱. هر کدام از موارد یادشده نیازمند طراحی فرایند و شاخص‌سازی‌های مرتبط با خود خواهند بود که نیازمند مطالعات آتی است.

شکل می‌گیرد. بنابراین، در حالت غرری کامل باید نخست عزل و نصب توسط ولی فقیه صورت گیرد؛ دوم مقام پولی در اهداف و ابزار کاملاً مستقل از دولت باشد.

جدول ۴: ساختار نهادی استقلال بانک مرکزی متناسب با درجه غرر

درجه غرر	انتخاب مقام پولی	استقلال در ابزار نسبت به دولت	استقلال در اهداف نسبت به دولت
غیرغرری (یقین آور)	دولت	ندارد	ندارد
غرری بودن ضعیف (ظن انگیز)	دولت	دارد	ندارد
غرری بودن متوسط (شک انگیز)	دولت	دارد	دارد
غرری بودن بالا (وهم انگیز)	ولی فقیه	ندارد	ندارد
کاملاً غرری	ولی فقیه	دارد	دارد

منبع: نتایج تحقیق

۶. جمع‌بندی و پیشنهادها

تجارب جهانی درباره استقلال بانک مرکزی مبتنی بر ساختار اقتصادی و نظام حاکمیتی در هر کشور می‌تواند نتایج متفاوتی در بر داشته باشد. بر این اساس، استدلال در خصوص استقلال بانک مرکزی در بانکداری اسلامی نمی‌تواند بدون توجه به قواعد و الزامات فقهی باشد. در این مقاله، نشان داده شد که قاعده فقهی نفی غرر، ظرفیت بسط در عرصه سیاست‌گذاری پولی را دارد. غرری شدن سیاست مقام پول باعث افزایش تورم و نقض وظیفه قانونی مقام پولی مبتنی بر قانون بانکداری بدون ربا در حفظ ارزش پول می‌شود.

بنابراین، در جهت حفظ ارزش پول، که از وظایف بانک مرکزی در قانون بانکداری بدون ربا در نظام جمهوری اسلامی است، مقام پولی باید در جهت غیرغرری نمودن و شفاف‌سازی سیاست‌های پولی و کاهش نااطمینانی محیط اقتصادی از یک سو و افزایش اعتماد بنگاه‌های اقتصادی جهت کاهش انتظارات تورمی ناشی از سیاست‌های پولی از سوی دیگر، گام بردارد. این مسئله، ضرورت شکل‌گیری درجه اهمیت و نیاز به بانک مرکزی مستقل را مطرح می‌کند.

در این خصوص، درجه‌ای از استقلال بانک مرکزی در قالب استقلال در ابزار مقام پولی، متناسب با توان مقام پولی در کاهش ضریب غرری بودن سیاست‌های پولی (از مرحله گذار تا نیل به الگوی ایده‌آل) پیشنهاد می‌شود نخست، درجه استقلال مقام پولی مبتنی بر مداخله نقش ولایت فقیه به عنوان نهاد عادل و بی‌طرف در ساختار مقام پولی حرکت کند. مسلماً طراحی چنین ساختار مستقل، نیازمند مطالعات دیگر است؛ دوم، سیاست‌گذاران، جهت تصمیم در خصوص استقلال مقام پولی و درجه استقلال آن از الگوی مذکور استفاده کنند؛ سوم، مطالعات آتی به تحلیل عوامل مؤثر در غرری شدن در سیاست پولی در اقتصاد ایران و بسط این الگو با توجه به معیارهای مالی و فقهی دیگر بپردازد.

منابع

۱. محقق اصفهانی، شیخ محمدحسین (بی‌تا)، حاشیه مکاسب، ج ۱، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۲. امیدوی فرد، عبدالله و محمدجواد باقی‌زاده (۱۳۹۱)، «دلیل عقلی قاعده منع اختلال نظام»، پژوهش‌های اخلاقی، ش ۴، ص ۵۷-۸۲.
۳. باستانی‌فر، ایمان (۱۳۹۳)، «آزمون ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران»، تحقیقات اقتصادی، ش ۴۹، سال ۴، ص ۶۹۹-۷۲۷.
۴. — (۱۳۹۴)، «تحلیل عوامل مؤثر بر شهرت مقام پولی»، تحقیقات اقتصادی، سال ۲، ش ۵۰، ص ۲۸۱-۳۰۵.
۵. باستانی‌فر، ایمان و محمدرضا حیدری (۱۳۹۴)، «تحلیل انتقادی سیاست فریبکاری در اقتصاد پولی با فرض ایده‌آل اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان، ش ۱۴، ص ۷-۳۲.
۶. خوانساری، محمد (۱۳۸۶)، منطق صوری، تهران: نشر آگاه.
۷. رحمانی، تیمور و محمدامین صادق‌زاده (۱۳۹۰)، «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی»، پول و اقتصاد، ش ۶، ص ۲۱۳-۲۳۴.
۸. زاهدی وفا، محمدهادی و سیدحسن قوامی (۱۳۹۰)، «الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیر عامل در شرایط کژمنشی»، پژوهشنامه اقتصادی، سال ۴، ش ۱۱، ص ۲۵۵-۲۳۹.
۹. شیخ انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، المکاسب، بی‌جا، بی‌نا.
۱۰. — (۱۳۷۷)، فرائد الاصول، چاپ اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۱. صدر، محمدباقر (۱۴۲۱ق)، الإسلام يقود الحياة (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۵)، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۱۲. علی محمدی، طاهر؛ ریحانه حسن‌پور و بهمن حسن‌پور (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی حقوقی غرر در معاملات غیربیع»، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
۱۳. عسگری، بهنام (۱۳۸۹)، تأثیر استقلال بانک مرکزی بر نظام مدیریت نقدینگی: مورد مطالعه کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
۱۴. قانون عملیات بانکداری بدون ربا (بهره)، ۱۳۸۳.

۱۵. مشیری، سعید؛ شعله باقری پرمهر و هادی موسوی نیک (۱۳۹۰)، «بررسی درجه تسلط سیاست مالی در اقتصاد ایران در قالب مدل تعادل عمومی پویای تصادفی»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۲ (۵)، ص ۶۹-۹۰.
۱۶. ورعی، سیدجواد (۱۳۹۳)، «قاعده اختلال نظام مفاد و قلمرو آن در فقه»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۷۱، ص ۱-۳۲.
۱۷. همتی، مریم (۱۳۹۲)، «استقلال بانک مرکزی؛ گام نخست در پیشبرد اهداف سیاست‌گذاری پولی»، پژوهشکده پولی و بانکی، مقاله کاری، ۹۲۲۷.
18. Arnone, Marco, Romelli, Davide (2013), "Dynamic central bank independence indices and inflation rate: A new empirical exploration", *Journal of Financial Stability*, 9, pp: 385-398.
19. Barro, R.J. & Gordan, D.B. (1983), "Rules, Discretion and Reputation, In a Model of Monetary Policy", *Journal of Monetary Economics*, 12, pp: 101-121.
20. Barro, R.J. (1986), "Reputation In a Model of Monetary Policy, without incomplete information", *Journal of Monetary Economics*, 17, pp: 3-20.
21. Berger, H & Woitek, U. (2001), "The German political business cycle: money demand rather than monetary policy", *European Journal of Political Economy*, 17, pp: 609-631.
22. Berger, Wolfram, Kißmer, Friedrich (2013), "Central bank independence and financial stability: A tale of perfect harmony"?, *European Journal of Political Economy* 31, pp: 109-118.
23. Cavoli, Tony, Wilson, John, k (2015), "Corruption, central bank (in) dependence and optimal monetary policy in a simple model", *journal of policy modeling*, 37, pp: 501-509.
24. Cukierman, Alex (2006), "central bank independence and monetary policy making institutions: past, present and future", Central Bank of Chile, *Working Papers*, 36.
25. Eijffinger, S. C. W & Dehaan, J (1996), "The political economy of central bank independence", *Special papers in international economics*, 9, pp: 1-92, Department of economics, Princeton university.
26. Hibbs, D. A. (1977), "Political parties and Macroeconomic policy", *The American political science review*, 71 (4), pp: 1467-1487.

27. Kydland, F. & Prescott, C. E. (1977), "Rules Rather Than Discretion, The Inconsistency of Optimal Plans", *Political Economy*, 85 (3), pp: 473-492.
28. Nolvos, Roberto Delhy, Vuletin, Guillermo (2013), "The role of central bank independence on optimal taxation and seigniorage", *European Journal of Political Economy* 34, pp: 440-458.
29. Nordhaus, W. D. (1975), "The Political Business Cycle", *The review of economic studies*, 42 (2), pp: 169-190.
30. Sargent, T, & Wallace, N (1981), "Some unpleasant monetary arithmetic", *Quarterly Review*, 22, pp: 1-17.
31. Ueda, Kenichi, Valencia, Fabian(2014), "Central bank independence and macro-prudential regulation", *Economics Letters* 125 , pp: 327-330.

